

گزارشی از

دوران ولادت و کودکی

امام حسین

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

طلیعه سخن

در تفسیر آیه ۳۷ سوره بقره آمده

است: «حضرت آدم نامهای نورانی پیامبر علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام را در ساق عرش مشاهده کرد و حضرت جبرئیل آن را به وی تلقین نمود و گفت: ای آدم! بگو:

«یا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، یا عالی بِحَقِّ عَلِيٍّ، یا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ، یا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَمِنْكَ الْإِحْسَانُ»، هنگامی که نام حسین را بر زبان جاری ساخت، اشک چشمانش سرازیر شد و دلش شکست و گفت: برادرم جبرئیل! در یاد کرد نام حسین چه سرّی است که اشکم روان و قلبم شکست؟ جبرئیل نیز مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام را به

از منظر روایات اهل بیت علیهم السلام نور مقدس امام حسین علیه السلام نخستین موجودی است که بعد از آفرینش نور وجود حضرت محمد صلی الله علیه و آله به همراه انوار پاک امیر مؤمنان علیه السلام حضرت فاطمه و امام حسن مجتبی علیه السلام در عالم هستی پدید آمد. در حقیقت، خداوند متعال قبل از هر چیز، انوار پنجگانه اهل بیت علیهم السلام را آفرید و تمام فرشتگان و پیامبران الهی در پرتو نور خلقت آن برگزیدگان الهی به راز و نیاز و ستایش حضرت حق می پرداختند. به همین جهت، حضرت آدم علیه السلام نور آن حضرت را در میان انوار پنجگانه در ساق عرش دریافت.

طور مفصل شرح داد.^(۱)

ما خداوند را تقدیس کردیم، آنان نیز تقدیس نمودند. ما حمد و ستایش خداوند یگانه را بر زبان جاری ساختیم، آنان نیز انجام دادند. ما خداوند را تمجید کردیم، آنان نیز تمجید کردند. ما به یگانگی خداوند گواهی دادیم، آنان نیز گواهی دادند. آنگاه خداوند متعال آسمانها و زمینها را آفرید و بعد از آن به آفرینش فرشتگان پرداخت. فرشتگان تا صد سال به جایگاه باعظمت خداوند متعال معرفت نداشتند و تسبیح و تقدیس و تمجید را بلد نبودند. ما تسبیح گفتیم، شیعیان ما نیز به پیروی از ما تسبیح گفتند و ملائکه با پیروی از ما تسبیح گفتند و همچنین تقدیس و تمجید و توحید را به انجام رساندیم و شیعیانمان از ما پیروی کردند و ملائکه نیز از ما آموختند. ما اهل بیت علیهم السلام اولین موحدان عالم هستیم که قبل از ما کسی خدای یگانه را پرستش نکرده و بر خداوند سزاوار است که ما و شیعیان ما را در اعلا علین جای دهد. به همین جهت، خدای متعال ما و شیعیان ما را از میان عالمیان برگزید. در آن زمان ما

روزی «حبيب بن مظاهر» از امام حسين علیه السلام پرسید: «یا ابا عبد الله! شما قبل از آفرینش آدم کجا بودید؟ امام حسین علیه السلام فرمود: «كُنَّا أَشْبَاحَ نُورٍ تَدُورُ حَوْلَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ فَنَعْلَمُ لِلْمَلَائِكَةِ التَّسْبِيحَ وَالتَّهْلِيلَ وَالتَّحْمِيدَ»^(۲) ما موجوداتی از نور بودیم که بر اطراف عرش الهی دور می زدیم و به فرشتگان تسبیح و تهلیل و ستایش خداوند را می آموختیم.»

نور امام حسین علیه السلام

«جابر بن عبد الله انصاری» در مورد آفرینش نور امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام روایتی نقل می کند که بر اساس آن، پدید آمدن نور وجود آن گرامیان قبل از آفرینش سایر موجودات عالم می باشد. او می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند، من، علی، فاطمه، حسن و حسین، و امامان بعد از حسین علیه السلام را از نور آفرید و از عصاره نور ما، اهل بیت و شیعیان ما را آفرید. ما تسبیح گفتیم و شیعیان ما نیز تسبیح گفتند و

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، نشر الوفاء، بیروت، ۱۰۴۰ ق، ج ۴۴، ص ۲۴۵.

۲. علل الشرائع، شیخ صدوق، انتشارات داورى، قم، ج ۱، ص ۲۳.

نامها را بر فرشتگان عرضه نمود. در آن حال انوار پنجگانه محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را (که از قبل آفریده بود) در صلب آدم قرار داد؛ در حالی که انوار پنجگانه همه جا را روشنایی می‌بخشید؛ از آفاق آسمانها گرفته تا حجابها. بهشت، کرسی، عرش از نور پنج تن منور بود.

در آن حال خداوند متعال به ملائکه فرمان داد تا آدم را به جهت اینکه نور پنج تن را در بردارد، سجده کنند. همه به جز شیطان سجده کردند، که او در مقابل عظمت الهی و انوار درخشان ما اهل بیت علیهم السلام، سر تعظیم فرود نیاورد؛ اما تمام فرشتگان در مقابل جلالت الهی و انوار ما اهل بیت علیهم السلام خضوع کرده و از ما تجلیل کردند. وقتی شیطان تکبر نمود و خود را بزرگ پنداشت، در ردیف کافران قرار گرفت.^(۳)

کودک عالی‌تبار

از ویژگیهای مهم شخصیت والای امام حسین بن علی علیه السلام داشتن تباری نیک و خاندانی مطهر است. چه زیباست

۳. تفسیر امام عسکری علیه السلام، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۱۹.

هنوز به صورت جسم نبودیم. خداوند ما را فراخواند و ما پذیرفتیم. خداوند ما و شیعیان ما را آمرزید، قبل از این که استغفار کنیم.^(۱)

در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام با اشاره به نور وجود آن گرامی می‌خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ
الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ
الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْهَمَاتُ
مِنْ ثِيَابِهَا؛^(۲) یا ابا عبد الله! من شهادت می‌دهم که تو نوری در صلب پدران ارجمند و رَحِمِ مادران پاکیزه بودی که هرگز پلیدیهای جاهلیت تو را آلوده نکرد و جامه‌ها و پرده‌های تیرگی و تاریکیها، نور وجودت را احاطه ننمود.»

امام حسین علیه السلام خود نیز در مورد خلقت نور وجود خویش می‌فرماید:
«هنگامی که خداوند آدم را آفرید و به وجودش اعتدال بخشید، نامهای همه چیز را برایش آموخت و آنگاه آن

۱. جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، نشر رضی، قم، ۱۳۶۳ ش، ص ۹؛ کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، مکتبه بنی هاشم، تبریز، ج ۲، ص ۸۵
۲. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۶، ص ۱۱۳.

علی از جهت عمه و عمو نیز از تمام مردم بالاتر است. عمویش، جعفر بن ابی طالب، که خداوند متعال وجود او را با دو بال بهشتی آراسته و هر وقت دلش بخواهد، در باغهای بهشتی پرواز می‌کند و عمه‌اش امّ هانسی، بانوی با عظمت و دختر ابی طالب است.

ای جماعت! این حسین بن علی علیه السلام در داشتن دایی و خاله نیز بر تمام خلائق برتری دارد. دایی‌اش قاسم بن محمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاله‌اش زینب، دختر محمد است. در این لحظه رسول خدا صلی الله علیه و آله کودک را از شانه‌اش بر زمین نهاد. او در مقابل آن حضرت راه می‌رفت و گاهی می‌افتاد. سپس فرمود: ای مردم! این پسر من حسین بن علی علیه السلام است که پدر بزرگ و مادر بزرگش در بهشت‌اند، پدر و مادرش نیز در بهشت‌اند.

عمو و عمه‌اش ساکن بهشت‌اند، دایی و خاله‌اش هم در بهشت‌اند. او و برادرش حسن، در بهشت هستند. مطمئن باشید که به هیچ یک از فرزندان پیامبران الهی به غیر از یوسف بن یعقوب، این همه افتخار عنایت نشده

که این سلسله نسب پرافتخار را از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله بشنویم:

«حذیفه بن یمان» می‌گوید: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به نزد ما آمد. آن بزرگوار فرزندش حسین علیه السلام را بر شانه خود سوار کرده و کف دست پاکش را بر پای آن کودک قرار داده و به سینه‌اش می‌فشرد. در آن حال خطاب به جمعیت حاضر فرمود: ای مردم! من به خوبی می‌دانم که شما بعد از رحلتم درباره برگزیدگان خاندان من اختلاف خواهید داشت. این حسین بن علی علیه السلام است. او از نظر جدّ و جدّه بهترین مردم است. جدّ او محمد، فرستاده خدا و سرآمد پیامبران الهی، و جدّه‌اش خدیجه، دختر خویند، بانویی که در ایمان به خدا و رسول او از همه بانوان عالم سبقت گرفت. این حسین بن علی علیه السلام بهترین مردم از نظر پدر و مادر است، پدرش علی بن ابی طالب، برادر، وزیر و پسر عموی رسول خدا بوده که در ایمان به خدا و رسولش بر تمام مردان عالم پیشی گرفته است. مادرش فاطمه، دختر محمد صلی الله علیه و آله، سرور بانوان جهان است. این حسین بن

ولادت

وجود مقدس امام حسین علیه السلام در سوم شعبان، در منزل حضرت علی علیه السلام و جناب فاطمه زهرا علیها السلام چشم به جهان هستی گشود. بعد از ولادت، حضرت جبرئیل به همراه هزار فرشته از آسمان فرود آمده و به محضر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تبریک و تهنیت عرض نمودند. امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که حسین علیه السلام به دنیا آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن حضرت را در آغوش گرفته و در گوش راستش نغمه توحیدی اذان را زمزمه کرده و گوش چپ آن گرامی را با صوت دل‌انگیز اقامه آشنا نمود. در روز هفتم ولادت، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد سر آن نوزاد را تراشیده و هم‌وزن موی سرش نقره صدقه دادند و گوسفندی را برای او قربانی کردند که بعد از ذبح، ران آن را برای قابله فرستادند و سر نوزاد را به عطر خلوق معطر ساخت»^(۲)

از ویژگی‌های به دنیا آمدن آن حضرت، تولد ایشان در شش ماهگی است. در منابع تاریخی آمده است: آن حضرت همانند حضرت یحیی علیه السلام شش ماهه به دنیا آمدند؛ هم چنانکه نامگذاری هر دو بزرگوار توسط خداوند متعال انجام پذیرفت.^(۳)

مراسم نامگذاری

نام هر شخص معرّف اعتقادات، فرهنگ و ملیت او و خانواده‌اش می‌باشد که این نام همواره تا آخر عمر به همراه اوست. صاحبان نام زیبا و ستودنی در هر زمان به آن افتخار کرده و احساس عزت می‌کنند؛ اما صاحبان نامهای نامناسب در زندگی خود حسن حقارت و رنجش خاطر خواهند داشت؛ چرا که نام، نوعی شعار و علامت است که با شنیدن آن باورها و آیین هر کس نیز معلوم می‌شود. صاحبان نام نیک به خاطر آن تحسین و تشویق می‌شوند، اما اسم ناهمگون و وارداتی معمولاً موجب شرمساری صاحبش می‌شود.

به همین جهت، در فرهنگ اسلام و در سیره اهل بیت علیهم السلام به این نکته ظریف

۱. کفایة الطالب، ابو عبد الله محمد بن یوسف بن محمد القرشی، نجف، ۱۳۶۵ ق، ص ۲۷۲؛ نظم در السمطين، جمال الدین محمد زرندي، تهران، ص ۲۰۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۳۹؛ لهوف، سید بن طاووس، نشر مؤمنین، قم، ۱۳۷۹، ص ۳۶.

۳. همان، ص ۲۲۳ - ۲۲۸؛ مریم/۷.

اهمیت خاصی داده شده است.

نمود، درخواست می‌کنم. خدایا! این دو را دوست بدار و هر کس که ایشان را دوست بدارد نیز دوست بدار و به اندازه گنجایش آسمان و زمین، دشمنان این دو فرزندانم را لعنت کن!»^(۱)

فطرس در کنار گهواره

هنگامی که امام حسین علیه السلام متولد شد، جبرئیل به دستور خداوند متعال، با همراهی گروهی از ملائکه برای عرض تبریک و چشم روشنی به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد. او در هنگام عبور به جزیره‌ای رسید که در آن یکی از فرشتگان الهی به نام «فطرس» به دلیل تعلل در انجام کاری که خداوند به او مأموریت داده بود، محبوس شده باله‌هایش شکسته و در آن جزیره به سر می‌برد که در آنجا هفتصد سال خداوند را عبادت می‌کرد. وقتی که فطرس، جبرئیل را با خیل ملائکه مشاهده کرد، پرسید: ای جبرئیل! به کجا می‌روی؟ او گفت: به نزد حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر بزرگ الهی. فطرس از جبرئیل تقاضا کرد که او را نیز به همراه خود به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله ببرد تا از آن حضرت

وقتی امام حسین علیه السلام به دنیا آمد، او را برای نامگذاری به آغوش رسول خدا صلی الله علیه و آله دادند تا نامی زیبا برایش انتخاب کند. حضرت فرمود: «من در انتخاب نام برای فرزندم از پروردگار متعال پیشی نمی‌گیرم.» در آن هنگام جبرئیل نازل شد و عرض کرد:

«یا محمد صلی الله علیه و آله! پروردگار علی علیه السلام را سلام می‌رساند و می‌فرماید: موقعیت علی علیه السلام در نزد تو همانند مقام هارون در نزد حضرت موسی علیه السلام است؛ پس نام فرزند هارون را بر پست برگذار!» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نام فرزند هارون چه بود؟» جبرئیل علیه السلام عرضه داشت: «نام او شیبیر بود.» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «زبان من عربی است.» جبرئیل علیه السلام پاسخ داد: «نام او را حسین بگذار!» و رسول خدا صلی الله علیه و آله این نام را برای فرزندش برگزید.^(۱)

آن‌گاه کودک را به آغوش کشیده، فرمود: «خدایا! من از تو درباره دو فرزندم حسن و حسین علیه السلام آنچه را که ابراهیم علیه السلام درباره فرزندانش درخواست

وقتی که فطرس به آسمانها برگشت، آن قدر خوشحال و شادمان گردید که در میان فرشتگان با افتخار تمام فریاد می‌زد: «چه کسی به منزلت من می‌رسد؛ من توسط حسین فرزند علی و فاطمه علیهم السلام و جدش احمد علیه السلام از گرفتاریها نجات یافته‌ام.»^(۳)

دوران شیرخوارگی

قبل از تولد امام حسین علیه السلام، ام فضل، یکی از بانوان هاشمی و همسر عباس بن عبدالمطلب نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده و عرضه داشت: «یا رسول الله! من در خواب دیدم که عضوی از اعضای بدن مبارک شما از بدن جدا گردیده و در خانه من قرار گرفت.» آن حضرت در تعبیر این رؤیای صادقه فرمود: «در آینده نزدیک دخترم فاطمه، پسری به دنیا می‌آورد و تو در دامن خود او را پرورش داده و از شیر پست قثم او را تغذیه خواهی نمود.»

طبق این رؤیا، بعد از اینکه امام حسین علیه السلام به دنیا آمد، دایگی آن حضرت را به ام فضل سپردند. او در فرصتهای

تقاضا کند که خداوند او را بخشیده و نجاتش دهد.

وقتی جبرئیل وارد شد و ماجرای فطرس را به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله با اشاره به گهواره امام حسین علیه السلام به فطرس فرمود: خود را به گهواره این نوزاد برسان و اعضای شکسته‌ات را به بدنش مالش بده! در همان لحظه خداوند متعال به برکت امام حسین علیه السلام او را نجات داد و این فرشته بال و پر شکسته، شفا گرفت.^(۱)

فطرس هنگام بازگشت به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: امت تو در آینده‌ای نزدیک این مولود با برکت را به شهادت می‌رسانند و من به پاداش این حقی که فرزندت بر من پیدا کرد، هر زائری که او را در هر کجا زیارت کند، زیارتش را به حضورش می‌رسانم و هر کس که بر او سلامی کند، سلامش را به او ابلاغ خواهم کرد و هر کس که بر او درودی فرستد، آن را بر او می‌رسانم. سپس به همراه جبرئیل و دیگر ملائکه به آسمان بازگشت.^(۲)

۳. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب مازندرانی، قم، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۷۴.

۱. همان، ص ۱۸۲.
۲. همان، ج ۴۳، ص ۲۴۴.

«الْم تَغْلَمِي أَنْ بُكَاءَهُ يُؤْذِنِي»^(۲)
مگر نمی‌دانی شنیدن گریه او مرا اذیت
می‌کند [و غمگین می‌سازد؟].

جبرئیل، پرستار امام حسین

«روزی جبرئیل به زمین نازل شد
و در منزل حضرت فاطمه حضور
یافت. مشاهده کرد که فاطمه
خوابیده است و حسین در گهواره
گریه می‌کند. به کنار کودک آمد و او
را مورد تفقد و نوازش قرار داد. پیوسته
با زمزمه‌های مادرانه کودک را آرام
می‌کرد، تا اینکه حضرت زهرا بیدار
شد و احساس کرد که نوای دل‌نشینی
نوزاد را در گهواره آرام می‌کند. وقتی
نگاه کرد، کسی را ندید. از پدرش سؤال
کرد. رسول خدا فرمود: او جبرئیل
است که فرزندم حسین را پرستاری
می‌کند.»^(۳)

حسین از من است

«یعلی بن مرّه» از اصحاب رسول
خدا می‌گوید: «روزی در کنار
پیامبر به مجلس مهمی برای صرف

مناسب کودک را به نزد پیامبر و پدر
و مادرش می‌آورد و رسول خدا او
را در آغوش گرفته و اظهار محبت
می‌کرد.^(۱) و گاهی رسول خدا از
انگشت وجود مبارکش به آن حضرت
شیر می‌داد.

حسین در آغوش پر مهر

پیامبر

روزها می‌گذشت و امام حسین
در دامان پر مهر و عظوفت رسالت،
دوران کودکی خویش را سپری می‌کرد.
پیامبر اکرم آنچنان با این نوزاد انس
و الفت داشت و ارتباط عاطفی شدید
پیدا کرده بود که لحظه‌ای نمی‌توانست
گریه امام حسین را تحمل نماید.

«هیثمی» می‌گوید: «روزی رسول
خدا از منزل خویش بیرون آمد و
هنگام عبور از کنار خانه فاطمه زهرا
صدای گریه حسین را شنید. نزدیک
شد و فاطمه را صدا زد و فرمود:
دخترم! حسین را آرام کن! سپس
اضافه کرد:

۱. تهذیب الکمال، ابو الحجاج یوسف المزی،
مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۶ ق. ج ۶، ص ۳۹۷؛ المعجم
الکبیر، سلیمان بن احمد طبرانی، مکتبه ابن تیمیة،
قاهره، ج ۲۵، ص ۲۵.

۲. مجمع الزوائد، نور الدین هیثمی، دار الکتب
العلمیة، بیروت، ۱۴۰۸ ق. ج ۹، ص ۲۰۱.
۳. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۸۸.

هدایت و [رستگاری] و کشتی نجات است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان با امام حسین علیه السلام ارتباط عاطفی و روحی شدیدی داشت که حتی هنگام خطاب به علی علیه السلام گاهی ایشان را با القاب مرتبط با حسن و حسین علیه السلام صدا می کرد.

«جابر بن عبد الله انصاری» می گوید: «سه روز قبل از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن حضرت شنیدم که علی علیه السلام را مورد خطاب قرار داده و به او چنین فرمود: «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرِّيحَانَيْنِ! أَوْصِيكَ بِرِيحَانَتَيْ مِنَ الدُّنْيَا فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ؛^(۳) درود خدا بر تو باد ای پدر دو گل خوشبو [من]، تو را به این دو ریحانه ام از دنیا سفارش می کنم که به زودی دو رکن و تکیه گاهت شکسته خواهد شد و خداوند پس از من نگهبان توست.»

زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آستانه رحلت قرار داشت، امام حسین علیه السلام به

غذا می رفتیم. ناگاه حسین علیه السلام را در میان راه به همراه سایر کودکان در حال بازی کردن دیدیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله با شتاب به جلو رفته و پیشاپیش مردم به زمین نشست، دستهای خود را گشود تا فرزند عزیزش را به آغوش بگیرد؛ اما آن کودک به این سو و آن سو می گریخت. پیامبر از حرکات او می خندید تا اینکه او را در آغوش گرفت و چهره او را به چهره خودش چسباند و گونه اش را به گونه او نهاد و فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، الْحُسَيْنُ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ؛^(۱) حسین از من است و من از حسینم، خداوند دوست بدارد هر کسی را که حسین را دوست بدارد. حسین سلاله ای از سلاله پاکان است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایت دیگری، حسین علیه السلام را این گونه می ستاید: «در جانب راست عرش الهی نوشته شده است: «إِنَّ الْحُسَيْنَيْنِ مِصْبَاحُ هُدًى وَ سَفِينَةُ نَجَاةٍ؛^(۲) به راستی که حسین علیه السلام چراغ

۱. مسند، احمد بن حنبل، دار صادر، بیروت، ج ۴، ص ۱۷۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۱؛ کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۱ ق، ج ۱۲، ص ۱۲۹.
۲. الصراط المستقیم، علی بن یونس عاملی بیاضی، المكتبة المرتضوية، ج ۲، ص ۱۶۱؛ بحار الأنوار،

ج ۹۱، ص ۱۸۴.

۳. معانی الاخبار، شیخ صدوق، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ ش، ص ۴۰۳.

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ»؛ هر کس دوست دارد به آقای جوانان اهل بهشت بنگرد، به [سیمای] حسین بن علی نگاه کند.»^(۲)

در روایت دیگری فرمود: «إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ حسن و حسین سروران جوانان اهل بهشت هستند.»^(۳)

در برخی از منابع آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: ای مردم! این حسین را بشناسید. قسم به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، حسین اهل بهشت است و دوستان و دوستانِ دوستان او نیز در بهشت‌اند.»^(۴)

ابراهیم، فدایی حسین

امام حسین ﷺ در نزد خداوند متعال از چنان جایگاهی برخوردار بود که پیامبر اکرم ﷺ پسرش ابراهیم را فدای

همراه برادرش امام مجتبی ﷺ، که نگران جدایی از دامن پرمهر رسالت بودند، با حزن و اندوه فراوان خود را روی سینه پیامبر ﷺ انداخته و گریه می‌کردند. در این هنگام امیر مؤمنان علی ﷺ خواست آن دو بزرگواری را از روی سینه پیامبر ﷺ بردارد؛ اما آن حضرت فرمود: «ای علی! اینان را واگذار تا از من بهره گیرند و من نیز از آن دو بهره‌مند شوم.»^(۱)

سرور جوانان اهل بهشت

رسول گرامی اسلام ﷺ در هر فرصتی از این یادگار عزیزش تجلیل کرده و مقام و منزلت او را به مسلمانان یادآور می‌شد و حتی در بعضی مواقع از حوادث آینده خبر داده و به مردم هشدار می‌داد که مبادا در مورد موقعیت اهل بیت ﷺ در نزد خداوند متعال تردید داشته یا اینکه در مورد آنان دچار کوتاهی و قصور گردند.

«جابر بن عبد الله انصاری» در روایتی می‌گوید: «از رسول خدا ﷺ شنیدم که درباره امام حسین ﷺ فرمود:

۱. حیاة الامام الحسين ﷺ، باقر شریف القرشی، نشر الادب، نجف اشرف، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲. ترجمة الامام الحسين ﷺ، ابن عساکر، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۴ ق، ص ۸۳.
 ۳. مستند ابی یعلی، احمد بن علی التمیمی، دار المأمون، ج ۲، ص ۳۹۵؛ مجمع الزوائد، نور الدین هیثمی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۱۸۳.
 ۴. امالی شیخ صدوق، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ ق، ص ۶۹۳.

حلقه‌های اشک از چشمانش سرازیر شد. سپس فرمود: «مادر ابراهیم کنیز است و اگر ابراهیم را فدای حسین کنم، غیر از من کسی سوگوار نمی‌باشد؛ اما حسین فرزند فاطمه است و پدرش علی، پسر عموی من و گوشت و خونس عجین با من است. اگر حسین فدای ابراهیم شود، دخترم و پسر عمویم و خودم در مرگ او سوگوار خواهیم بود. به همین جهت، غم و غصه خودم را بر سوگواری آنان ترجیح می‌دهم. این بود که از درگاه خداوند متعال تقاضا کردم تا ابراهیم را فدایی حسین علیه السلام قرار دهد. خداوند نیز خواسته‌ام را برآورد.» ابراهیم پس از سه روز بیماری درگذشت. بعد از آن هرگاه حسین علیه السلام به سوی حضرتش می‌رفت، او را می‌بوسید و می‌بویید و به سینه‌اش می‌فشرد، دهانش را می‌مکید و می‌فرمود: «قربانم به فرزند عزیزی که ابراهیم را فدای او کردم.»^(۱)

چنانچه گذشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله با مهر و عاطفه با کودکش برخورد می‌کرد که این رفتار آن حضرت می‌تواند درس

او کرد؛ با آنکه ابراهیم فرزند بی‌واسطه آن حضرت و خیلی مورد علاقه‌اش بود. «خطیب بغدادی» از «ابو العباس» نقل می‌کند:

«روزی به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شدم. وقتی رسیدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که پسرش ابراهیم را روی زانوی چپ و حسین علیه السلام را روی زانوی راست نشانده بود. گاهی حسین علیه السلام را می‌بوسید و گاهی به ابراهیم اظهار علاقه می‌کرد. در آن لحظه جبرئیل، پیک وحی نازل شد و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله پیام الهی را رسانده و برگشت. بعد از آن، پیامبر صلی الله علیه و آله به ما فرمود: اینک جبرئیل از سوی خداوند بر من نازل شد و پیغام داد: «ای محمد! پروردگارت سلام می‌رساند و می‌فرماید که من این دو فرزند را برای تو حفظ نخواهم کرد. لازم است یکی را فدای دیگری کنی! انتخاب با توست.»

پس از شنیدن این پیام آسمانی، رسول خدا صلی الله علیه و آله منقلب شد. آن حضرت نگاهی به ابراهیم نمود و گریه کرد و نگاهی به سیمای حسین علیه السلام انداخت و

۱. تاریخ بغداد، ابوبکر خطیب بغدادی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۲۰۱.

وجود آن حضرت رشد داده و تقویت می‌کرد. امروزه دانشمندان علوم تربیتی برای تربیت سالم کودکان، بازی کردن را امری ضروری و لازم می‌دانند و توصیه می‌کنند که والدین، خود نیز گاهی با آنان همبازی شوند؛ چرا که برخی از کمبودها و عوارض ناپسند در دوران بعد، ناشی از کمبود محبت و فرصت نیافتن برای بازی در دوران کودکی است.

بنابراین، بازی در دوران طفولیت یکی از نیازهای کودک است. بازی، حس کنجکاوی و قوای باطنی کودک را شکوفا ساخته و باعث خلاقیت و پرورش جسمی و روحی او می‌شود. مربی با همبازی شدن با کودک، نه تنها روحیه خودباوری و احساس عزت را در او تقویت می‌کند؛ بلکه به آموزش غیرمستقیم وی نیز می‌پردازد. کودکان از بازی و ورزش لذت برده و برای ابراز احساسات خویش فرصت می‌یابند.

درباره این موضوع روایات بسیاری از دوران کودکی امام حسین علیه السلام نقل شده است که ما به سه مورد آن اشاره می‌کنیم:

مهم تربیتی برای ما باشد؛ چرا که سیراب کردن روح فرزندان از مهر و محبت، آنان را شخصیت‌هایی مورد اعتماد و فاقد فقر روحی و معنوی بار می‌آورد.

هنگامی که بزرگ رهبر جهان اسلام، حسین علیه السلام را می‌دید، او را به آغوش می‌کشید و از محبت سیرابش می‌کرد.

وقتی «عینه بن بدر ازدی» این همه محبت به فرزند را از رسول خدا صلی الله علیه و آله مشاهده می‌کرد، می‌گفت: «این همه محبت برای کودک عجیب است! به خدا سوگند! فرزندی دارم که بزرگ شده و من از آغاز کودکی تاکنون یکبار او را نبوسیده‌ام!» وقتی پیامبر سخن او را شنید، فرمود: «کسی که مهربان نباشد، مهربانی از دیگران نخواهد دید.»^(۱)

بازی با کودک

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، فرزندش حسین علیه السلام را با بهترین شیوه‌های تربیتی پرورش می‌داد و با احترام و محبت فوق العاده، روحیه اعتماد به نفس و عزت را در

۱. سبل الهدی و الرشاد، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ص ۷۲.

سرباز می‌زدم و می‌گفتم: من هم مثل تو سواری نمی‌دهم. حسین علیه السلام می‌فرمود: «أَمَا تَرْضَى أَنْ تَحْمِلَ بَدْنَا حَمَلَةَ رَسُولِ اللَّهِ؛ آیا دوست نداری بدنی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله حمل می‌کرد، به دوشت سوار کنی؟» و من با کمال میل پذیرفته و او را بر دوش خود گذاشته و سواری می‌دادم.^(۳)

ج. جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید: «روزی به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته بودم. دیدم آن حضرت حسن و حسین علیهما السلام را بر پشت خود سوار کرده و با آنان بازی می‌کند و می‌فرماید: فرزندانم! شتر شما چه نیکو شتری است و شما نیز چه نیکو سواره‌هایی هستید!»^(۳)

باز نگار می‌کشد چون شتران مهار من گاه کشد مهار من، گاه شود سوار من گشته خیال روی او، قبله نور چشم من بار که می‌کشم بین! عزت و کار و بار من

الف. ابن عباس می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله حسین بن علی علیهما السلام را در دوران کودکی اش بر دوش خود سوار کرده و با او بازی می‌کرد. مردی آن حضرت را دید و به حسین علیه السلام رو کرده و گفت: «نِعْمَ الْمَرْكَبُ رَكِبْتَ يَا غُلَامُ؛ ای پسر! خوب مرکبی سوار شده‌ای!» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وَنِعْمَ الرَّكَابُ هُوَ؛ و او هم خوب سواری است.»^(۱)

ب. ابو رافع می‌گوید: «من در مدینه در دوران کودکی گاهی با امام حسین علیه السلام همبازی بودم. به این ترتیب که سنگهای مخصوصی انتخاب نموده و به داخل حفره‌هایی نشانه روی می‌کردیم و در صورت برنده شدن می‌بایستی فرد برنده بر دوش دیگری سوار می‌شد.

هرگاه من برنده می‌شدم و می‌خواستم بر دوش او سوار شوم، حسین علیه السلام می‌گفت: «أَتَرْكَبُ ظَهْرًا حَمَلَةَ رَسُولِ اللَّهِ؛ آیا می‌خواهی بر دوش کسی سوار شوی که او را رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دوش خود حمل می‌کرد؟» من از سواری منصرف می‌شدم و هرگاه او به هدف می‌زد، من از سواری دادن

۱. ترجمه الامام الحسين، ص ۱۵۸؛ حیا الامام حسین علیه السلام، ج ۱، ص ۹۶.

۱. المنافب، ج ۳، ص ۲۲۷؛ لازم به ذکر است که مشابه این روایت در مورد امام حسن علیه السلام نیز وجود دارد (بشارة المصطفى، ص ۲۲۱).
۳. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۶۳.